



زنده باد مقاومت مردمی علیه دیکتاتوری

دوشنبه ۱۱ بهمن ماه ۱۳۸۹

خیابان ویژه انقلاب تونس و مصر

خاورمیانه با انقلاب زیبا شد



تنها تنه‌ل جوانان عرب نیستند که در قاهره بیرون ریخته اند و اعتراض می کنند. نویسنده ی مشهور نوال سعداوی که هشتاد ساله است هر روز در تظاهرات ها شرکت می کند.

او در مصاحبه ای تلفنی می گوید: من خوشحالم. من هشتاد سال سن دارم و خوشحالم که این روزها را تجربه کردم. انقلاب در مصر با جوانان در آن کشور مشخص می شود. اما حتی سالمندان نیز به خیابان ها می روند و اعتراض می کنند.

او در مصاحبه ای تلفنی با فمینیست پرسپکتیو می گوید: من خوشحالم. من هشتاد سال سن دارم و خوشحالم که این روزها را تجربه کردم.

به خیابان ها بیایید

در پاسخ به این سؤال که ما چه می توانیم برای پشتیبانی تظاهرات ها انجام دهیم سعداوی می گوید:

ما را حمایت کنید. در کشور خود به خیابان ها بیایید. به جلوی سفارت مصر و از خواست مردم پشتیبانی کنید. من دیروز در بیمارستانی بودم. پلیس به یک جوان شلیک کرده بود. جوانی که من دیدم یک چشمش را از دست داده بود. این به این معناست که پلیس به قصد قتل شلیک می کند.



جوانی دستفروش که پس از فارغ التحصیلی در دانشگاه کاری جز دستفروشی بر گاری نیافته بود، زمانی که با ممانعت پلیس تونس از ادامه کسب و کار خود روبرو شد، خود را آتش زد. مردم خشمگین به خیابان ها آمدند. انقلاب تنوره کشان و سهمگین بر سر و صورت بن علی دیکتاتور تونس فرو کوفت. هنوز فرانسه در صدد اعزام نیروی ضدشورش کمکی به دیکتاتور بود که او گریخت. مردم به درب کاخ رسیده بودند، با چوب های مشتعل و داس های خشم.



قاهره این روزها نگاه تمام جهان را بر خود دارد. مردم این رویدادهای باشکوه را با همان توجهی می بینند که گویی در قاهره زندگی می کنند. چه، تمام منطقه چون قاهره تحت سلطه ی تاریک مشتی مستبد و دیکتاتور در هوس آتش و قیام می سوزد.

آیا امکان تغییر اساسی وجود دارد؟ آیا در چنین عصری انقلاب یک توهم نیست؟ آیا آزادی و زندگی عادلانه رؤیا نیست؟ آیا برای مرحله ی بعدی مردم نقشه دارند؟ آیا در مورد نظام بعدی فکر شده است؟ آیا آتش زدن لاستیک ها کار درستی است؟ آیا بهتر نیست میانجی گری شود؟ آیا ...

مردم تونس به این سؤالات پاسخ ندادند. پاسخ بسیاری از این پرسش ها تئوریک نیست. بلکه عمل جمعی مردم پاسخ را شکل خواهد داد. در حال حاضر اما نسبت به یکماه پیش تغییراتی اساسی رخ داده. اما همین امروز در مقیاس با یکماه پیش به اندازه ی یک دنیا تغییر رخ داده است. تبعیدیان بازگشته اند. دفاتر احزاب گشوده است. بیمه بیکاری به بیکاران تعلق گرفته. روزنامه ها آزادانه می نویسند.



مردم تونس و مصر هوای تازه ای به جهان مسموم و راكد دمیدند. در خاورمیانه، در سرزمین دیکتاتورها و دخالت های قدرت های بزرگ، در کنار گوش اسرائیل مردم تاریخ خود را خود رقم می زنند. سی سال پس از آخرین انقلاب های قرن بیستم، دوران جدیدی آغاز می شود. عصر تازه ای از انقلاب. جنبش ایران اگر در سال ۸۸ در فضای گرفته ی عصر پایان انقلاب، در قفس ایده ها و رهبران «نمی شود، نشد، شما نکنید» در قفس ایده های تولید کارخانه های ایده سازی سرمایه داری جهانی درباره ی «متدهای مسالمت آمیز برای جابه جایی رهبران سیاسی به گونه ای که کمترین تغییر رخ دهد» از نفس افتاد و پژمرد، اما جنبشی که این روزها پای تلویزیون ها و کامپیوترهای خود از خواب برمی خیزد شور و رویایی به زیبایی رقص و آواز عربی در سر دارد. گو اینکه این سرزمین خود تاریخی پر از خاطرات تفنگچیان مشروطه دارد.





مصر مصر مصر

مترجم: ستاره صبور

تظاهرات توده ای که این روزها با حضور دهها هزار نفری مصریان خواهان آزادی و جان به لب آمده از نظام دیکتاتوری رژیم مبارک شکل گرفته است، تظاهراتی است بی نظیر و بی همتا که خیابانهای مصر همتر از آنرا از سال ۱۹۴۰ به خود ندیده است. این خشم توده ای از سه شنبه بیست و پنجم ژانویه دو هزار و یازده میلادی با حضور ۱۵۰۰۰ نفر در شهر قاهره پایتخت مصر شکل گرفت. تظاهر کنندگان خواهان برچیدن نظام دیکتاتوری ۳۰ ساله حسنی مبارک بودند. تعدادی از تظاهر کنندگان که در «میدان تحریر» گرد آمده بودند اعلام نمودند که تمایلی به بازگشت به خانه هایشان ندارند و شهروندان دیگر به منظور حمایت از آنها، آب، غذا و پتو برای این افراد فراهم نموده بودند. در میان تجمع کنندگان پیامهایی مبنی بر «کناره گیری فوری مبارک از قدرت» از طریق تویتر و فیس بوک مخابره می شد. مردم در حالی که شعار «آزادی، آزادی، رژیم مبارک ایستاده است میان ما و شما» با ضربات باتون و گاز اشک آور مورد ضرب و شتم پلیس قرار گرفتند، در این تظاهرات که دامنه آن به شهر اسکندریه هم کشیده شد، ۲ تظاهر کننده و ۱ پلیس کشته شدند. این تظاهرات بنا به گفته تعداد زیادی از تظاهر کنندگان با الهام گرفتن از جنبش ضد دیکتاتوری مردم قهرمان تونس در به زیر کشیدن «بن علی» شروع شده و به شهرهای مختلف مصر از جمله سوئز، اسکندریه کشیده شده و همچنان ادامه دارد. مردم معترض خواستار استعفای فوری حسنی مبارک رئیس جمهور فعلی مصر می باشند و اعلام کرده اند که حاضر به ترک خیابانها نخواهند بود و تا استعفای حسنی مبارک به خانه هایشان باز نخواهند گشت. تظاهرات روز چهارشنبه با ریختن هزاران تظاهر کننده در خیابانهای قاهره به شدت متشنج شد. منابع عربی همچنین از خروج مخفیانه «جمال مبارک» پسر حسنی مبارک (جانشین برگزیده حسنی مبارک) و خانواده اش از طریق فرودگاه نظامی در غرب قاهره گزارش می دهند، علاوه بر این به نقل از اخبار تأیید نشده تویتر «سوزان مبارک» بانوی اول مصر هم در «فرودگاه هیترو

لندن» روز چهارشنبه توسط کارگران فرودگاه شناسایی شده است. دولت مصر با مسدود کردن «تویتر» روز چهارشنبه سعی در کند کردن حرکت اعتراضی مردم نمود، اما تظاهر کنندگاه با دلگرمی از دستاورد روز اول تظاهرات با بهره گرفتن از جی میل توانستند تظاهرات دهها هزار نفری خود را در روز چهارشنبه شکل دهند. در مورد گزارش مربوط به فرار «جمال مبارک»، از آنجایی که تا به حال مورد تأیید هیچ منبع خبری موثقی واقع نشده است باید به احتیاط برخورد کرد، حال با در نظر گرفتن، واقعی بودن فرار «جمال مبارک/ جانشین حسنی مبارک» باید به عمق شکاف حکومت سی ساله حسنی مبارک هشتاد و دو ساله پی برد و این دقیقن نقطه مقابل نظرات خوشبینانه غرب دال بر «عدم سرنگونی حکومت مصر و ادامه راه مردم تونس توسط مصریان می باشد» است. بهترین مثال در این

همین سطور روز سه شنبه بیست و پنجم ژانویه در مورد قیام توده ای مردم مصر در وبسایت «بی بی سی» آورده شده بود. حتی در روز سه شنبه بیست و پنجم ژانویه، زمانی که مردم مصر در خیابانها حضور داشتند، هیولاری کلیتون با اعلام اینکه ایشان اعتقاد دارند که دولت مصر دولتی پایدار است، اظهار داشت که: «ارزیابی ما این است که دولت مصر دولتی با ثبات است و حکومت مصر بدنبال راههای برای پاسخگویی به نیازهای مشروع و منافع مردم مصر می باشد، بدیهی است که در همان روز، خوش باوری ایشان در وال استریت به اشتراک گذاشته نشد، چرا که ارزش پوند مصر در برابر دلار آمریکا در روز چهارشنبه به شدت سقوط کرد و ارزش سهام بازار بورس مصر ۴درصد تنزل داشت و پر واضح است که مردان پر تلاش و سرسخت «وال استریت» آگاه تر و



مورد گزارشی از یکی از گزارشگران خبره «بی بی سی» به نام «جان لاینای» به تاریخ هفدهم ژانویه دو هزارو یازده تحت عنوان «هیچ نشانی دال بر ادامه راه تونسیان در مصر وجود ندارد»، وی خاطر نشان می نماید که: «برخلاف تونس، مردم مصر دارای تحصیلات پایینتر، سطح بیسوادی بالاتر، و نفوذ اینترنت کمتری در جامعه می باشند، بنابراین هیچ قیام و شورش در مصر اتفاق نخواهد افتاد». جالب توجه اینکه عین

کاردان تر از وزیر امور خارجه آمریکا می باشند. سر مقاله واشنگتن پست اما به مساله به شکل عمقتر و جدی تری اشاره می نماید: «سخنان وزیر امور خارجه نشان دهنده آن است که دولت ایالات متحده بشکل خطرناکی از روند تحولات خاورمیانه عقب مانده است. دولت آمریکا در پیش بینی انقلاب تونس ناتوان ماند، چندین روز قبل از اینکه دولت زین العابدین بن علی سقوط کند و بن علی از کشور رانده شود، خانم کلیتون اعلام

کرد که: «ایالات متحده هیچگونه دفاعی و یا دخالتی در امور مابین حکومت دیکاتور و مردم معترض تونس نخواهد داشت». هفته گذشته رئیس جمهور اوباما با آقای حسنی مبارک صحبت داشتند بدون اینکه اشاره ای به وضعیت سیاسی مصر داشته باشند- از جمله طرح رژیم برای برگزاری یک طرفه انتخابات ریاست جمهوری در این پاییز که حکم آقای مبارک برای شش سال دیگر ادامه یافته است.

تحولات روز سه شنبه نشان از آن دارد که دولت مصر دولتی پایدار نیست. سه نفر در تظاهراتی خشونت آمیز کشته شده اند و هزاران تظاهرات کننده شباهنگام همچنان در خیابانهای قاهره و میدان مرکزی تحریر معترض بر جای مانده اند. مردم مصر براحتی راضی و خشنود نخواهند گردید زیرا، دولت مبارک در واقع بجای تلاش برای دادن پاسخ مناسب به خواسته های برحق و نیازهایشان بدنبال راهی برای ابقاء خود با توسل به زور، تداوم حکومت خود و زمینه سازی و فراهم کردن راهی برای بقدرت رساندن فرزند حسنی مبارک «جمال مبارک» می باشد.

اینجاست که ما صدای رساتر و معتبرتری از استراتژی جدی سرمایه در مقایسه با سیاستمداران سطحی واشنگتن و قلم زنان کارشناس خاورمیانه بی بی سی که عمدتن تخصصشان در خوردن جین و تونیک در هتلهای قاهره و گوش سپردن به شعیعات بی اساس پروپاگاندای رژیم مبنی بر خاموش شدن صدای مخالف برای آرامش اعصاب دول غربی و سرمایه گذاران می باشد، و آن این است که استراتژی سرمایه به نتیجه گیری مشابه مارکسیستها در زمینه تحولات دنیای عرب رسیده است، اگرچه با کمی تأخیر و طبیعتن از نقطه نظر طبقه نظام سرمایه داری. در این زمینه خاص، بنظر می آید که سرمایه داری به مطلبی که ما مدتها پیش دریافته بودیم و به آن پرداخته بودیم رسیده اند. مدتها قبل ما اشاره کردیم که «رژیمهای ارتجاعی عرب مانند مصر و اردن به طنابی بسته و آویزانند و می توانند در هر لحظه سرنگون شوند».

واشتگتن پست به خطر جدی انقلاب در مصر پی برده است که که عواقبش بسیار جدیتر است برای منافع اقتصادی و استراتژیک ایالات متحده آمریکا به نسبت قیام تونس.

«مصر یکی از متحدان بسیار حیاتی و مهم ایالات متحده آمریکا بوده و می باشد، و تغییر احتمالی رژیم می تواند بسی ترسناک و وحشت آور برای بسیاری در واشنگتن گردد، به خصوص با توجه به قدرت جنبش اسلامی در کشور مصر، تغییر احتمالی نگران کننده است. این نگرانیهای کاملن برحق و مشروع می باشند. حمایت کورکورانه دولت آمریکا از آقای حسنی مبارک می تواند بیشتر باعث یک فاجعه سیاسی در مصر گردد و نه کمتر. به جای تأکید بر ثبات دولت، خانم کلیتون و آقای اوباما باید بدنبال راهی برای چگونگی تغییر باشند».

برخلاف خانم کلیتون اینان انسانهای جدی هستند که دریافته اند که رژیم مبارک به پایان خط رسیده است و هر گونه تلاشی برای سر پا نگه داشتن او وضعیت را وخیمتر خواهد نمود. تغییر ضروری و مبرم می نماید و واشنگتن باید سعی در کنترل و هدایتش به کانالهای امن باشد. اولین گام باید از میان برداشتن مبارک خلاص شدن از شر وی باشد، اما اینجاست، اینجاست که به شماری از مشکلات برمی خورند. در اولین وهله، مبارک و خانواده اش بدنبال خواستها و منافع خود می باشند و تمایلی به واگذاری و تسلیم قدرتشان ندارند.

دومین مشکل اما جدی تر و حادتر می باشد. اگر مبارک بر کنار شود، چه کسی جای او را خواهد گرفت؟ آنها نگرانی شان را از اسلامیهستها بیان می دارند. اما نگرانی واقعی آنها چیزی است که آنها «عرب در خیابان» می نامندش، و آن چیزی نیست بجز «توده های عرب». اسلامیهستها که تا به حال

نقشی در تظاهرات‌های خیابانی نداشته اند و با عدم حضور و غیبتشان در واقع انگشت نما شده اند. اسلامیتها در تونس هم نقش بسیارناچیز و یا هیچ را در بر اندازی حکومت بن علی داشتند. در مصر چهره واقعی و ارتجاعی بنیادگرایان با نگرش آنها به جنبش اعتراضی نشان داده شده است. حزب اسلامی به رهبری اخوان المسلمین هیچ نقشی در سازماندهی جنبش اعتراضی و برانداز اخیر نداشته و حتی در اصل مخالف حرکت و تظاهرات توده های مردم بودند. تا اینکه در آخرین لحظات بود که تحت فشار قرار گرفته و برای اعضای خود مجوز شرکت در تظاهرات را صادرنمودند.

رژیم مبارک باخته است. کوهی از مشکلات سیاسی ، اقتصادی داخلی که در طی این سی سال بر هم تلنبار شده به بشکه ای از باروت تبدیل گردیده وجرقه ای از طرف تونس کافی بود تا منفجر گردد. مصر برای بیش از ربع قرن است که همچین خیزش توده ای را به خود ندیده است، دقیقن از زمانی که مصریان انور سادات را مجبور به تغییر قیمت نان کردند. اما اینبار معترضان با گازاشک آور و باتون ساکت نخواهند شد. تنش و استرس بالایی در قاهره حکمفرماست و انفجارهای جدیدی در پیش روست.

جنبش به تازگی آغازیدن گرفته است اما می رود که تمام کشور را در بر گیرد. تظاهراتهای توده ای نه تنها در قاهره بلکه در اسکندریه، دلتا و کانال سوئز هم اتفاق افتاده است و تازه این شروع جنبش است. موتور محرکه واقعی در میدان نبرد و روی زمین نه تنها اسلامیتها نیستند بلکه فعلان چپ و توده مردم هستند: کارگران، توده بیکار، حاشیه نشان فقیر و بی بضاعت، دهقانان و جوانان انقلابی هستند.

توده ها شجاعت و فداکاری بسیارزядی را تا بدین لحظه از خود به نمایش گذاشته اند. اما آنها فاقد رهبری و سازماندهی مناسب و در خور می باشند. این مسئله باعث می شود که کل فرایند پیچیده، طولانی و پر تشنج گردد. در مقایسه با جنبش انقلابی ایران پس از انتخابات دوهزار و نه، ما گفتیم که جنبش خود جوش و توده ای دارای نقاط ضعف و قدرت بسیاری است، و علی رغم تمام تلاش دلاورانه و قهرمانانه ایرانیان معترض، رژیم قادر به کنترل جنبش و ابقاء خود در حکومت- حداقل برای مدت زمانی- گردید. بدون قطع جنبش توده ای مصریان (که از خیلی جهات نکات مشترک با جنبش ایرانیان دارد) از فازهای متفاوتی عبور خواهد کرد. فراز و فرودهای زیادی را در پیش رو دارد، فروکشها و پیش رویهای زیاد، اما در این دور از مبارزات توده های مردم درسهای بسیاری خواهد آموخت. یاد می گیرند که رهبران واقعی توده ها چه کسانی هستند و باید به چه افرادی برای رهبری اعتماد

کرد و دست رد به سینه چه کسانی باید زد. آنان تاکتیکهای مناسب، توسعه یافته و پیشرو تری را در پیش خواهند گرفت و بدنبال تدوین برنامه، افق، ایده ها و مانفستی که پیروزی شان را تضمین کند خواهند بود.

و این کار بسیار آسانتر خواهد بود تنها و تنها با حضور یک حزب اصیلِ انقلابی مانند حزب بلشویک تحت رهبری لنین و تروتسکی.

متأسفانه در حال حاضر ما محروم از وجود یک

وصرفن معنی ش نقطه پایان نیست، بلکه مفهومی است برای پایان دادن.

بورژوازی به طور فزاینده ای نگران است. بورس اوراق بهادار مصر در پنجشنبه پس از شاخص معیار بیش از ۶ درصد برای دومین روز پس از تظاهرات تنزل داشت..

باید کاری کرد! اما چه؟ «رشید م. رشید»، وزیر تجارت مصر مجبور به ترک « داووس» و بازگشت عجولانه به قاهره می شود. «رشید»



یکی از مهندس های به اصطلاح «نئولیبرالی» اصلاحات دولت مصر می باشد . خوب هر چه را می توان از بازگشت او انتظار داشت. شایعاتی هم وجود دارد ازتغییر کابینه. اما تنها به این معنی تجدید سازمان وزرای همان کابینه قدیمی می باشد که هیچ چیز را حل نخواهد کرد. بورژوازی نیازمند چهره های جدید ی برای آرام کردن اوضاع و تسکین اعصاب سرمایه گذاران است!

در روزگاران قدیم وقتی نمایشنامه نویسی نیاز به یک تغییر چشمگیر در طرح خود داشت، دست به تولید

«deus machine»

می زد و یا به قول انگلیسی زبانهای امروزی « خرگوش از کلاه بیرون» . حال در میانه این تحولات ، آقای متواضع و با لباسی منظم، شبیه استاد پیر دانشگاهی به طور ناگهانی و بدون اطلاع قبلی بر روی صحنه ظاهر می شود. محمد البرادعی ، رئیس سابق تسلیحات هسته ای در سازمان ملل متحد در راه بازگشت به مصر، و به طمأنینه و آرامش خود را بعنوان رهبر اپوزیسیون دموکراتیک معرفی می نمایند.

اگر این خیلی جدی نبود، بیشتر به یک جوک مانده بود. در چند روز اخیر هزاران نفر به خیابانها سرازیر شده اند، جان خود را بخطر انداخته اند، آنهم زمانی که آقای البرادعی خیلی راحت در خارج از کشور و دور دستها به زیبایی در مورد دموکراسی می اندیشیدند. نجات دهنده خود

گمارنده، در آغاز جنبش با ارسال پیامی « ولرم» به تظاهر کنندگان ، خود را فارغ از هر نوع نقش و مسئولیتی نمودند، حال که چشم اندازی واقع بینانه نشان از موفقیت جنبش اعتراضی در به زیر کشیدن حکومت مبارک دارد ، ایشان بطور ناگهانی خود را منتصب به نقش رهبر اپوزسیون دموکراسی خواه می کنند و اعلام آمادگی می نمایند.

جای تعجب هم ندارد که برخی از معترضین عصبانی هستند. آنها مشکوک هستند -- نه بدون دلیل -- که این ایشان اقدام به همکاری با وزارت امور خارجه آمریکا نموده اند . آمریکایی ها در حال حاضر عمیقا نگران وضعیت موجود هستند و ترس این را دارند که رژیم مبارک ممکن است در برابر فشار توده ها دوام نیاورد. آنها نیاز به یک جایگزین مناسب دارند و آقای البرادعی می تواند جایگزین متناسبی برای این پروژه باشد. آقای برادعی با شهرت خود را به عنوان رقیب مخالف رئیس جمهور حسنی مبارک، ممکن است پشتیبانانی هم در میان طبقات متوسط محترم مصری بدست آورد . بعلاوه ، تفکر و ایدئولوژی ایشان هم مطلقن «فراطی» نیست. ایشان بی خطر می باشند، محترم، قابل اعتماد و لیبرال هستند. به عبارت دیگر ، بورژوا.

البرادعی از همین حالا میزان محبوب بودن خود در میان رأی دهندگان آینده اش از دست داده است، ولی در نظر داشته باشیم که ما در کیس البرادعی بحثمان مردم مصر نمی باشد بلکه افراد مهمی هستند که در کاخ سفید، وال استریت و پنتاگون نشسته اند. البرادعی با آنان در مورد « مهرورزی» صحبت می کند، همچون عاشقان خجالتی قبل از ازدواج

البته برای شمایی که در غرب هستید این ایدا و نظریه را بخوردتان داده اند که که تنها گزینه در جهان عرب گزینه ای میان رژیمهای دیکتاتوری و جهادگران اسلامی هستند، اما این بوضوح ساختگی می باشد. اگر ما در مورد مصر صحبت می کنیم، مصر همچون رنگین کمانی از انواع افکار و ایده ها ست : مانند سکولار، لیبرال، بازارمحور/ بازارپهنا، ... و اگر شما به آنها شانس سازماندهی بدهید، آنان دولتی مدرن و مناسب انتخاب خواهند نمود. آنان بشدت خواهان سازگار و هم گام شدن با کل جهان می باشند.

منابع:

http://www.marxist.com/egypt-revolt-continues.htm

http://www.marxist.com/egypt-calm-before-the-storm.htm

http://www.marxist.com/egypt-calm-before-the-storm.htm

http://www.marxist.com/egypt-calm-before-the-storm.htm

فعالین سندیکایی با دانشجویان ومخالفین تحت تعقیب و مدافعین حقوق بشرووکلاهی مترقی با هم تلاقی می کرد فعالین چپ سندیکاها درآنجا از وزن اجتماعی محسوسی درمبارزه ی ضد قدرت برخورداربودند.

روزسه شنبه ۱۵ ژانویه دفتر محلی سندیکای عمومی دراستانهای « قفصه» که دارای معدن فسفات است ودر استان «سوسه» مورد هجوم افراد شبه نظامی وابسته به رژیم بن علی که خواهان گسترش هرج ومرج هستند قرارگرفت و نباید فراموش کرد در«قفصه» که کانون شورش در منطقه است (درسال ۱۹۶۲ نیز شورش اش توسط رژیم بورقیبه به خون کشیده شد که ۱۰۰ کشته برجای گذاشت)، فعالین سندیکایی عمومی درآنجا به جناح چپ تعلق داشته ودارند.

روز ۴شنبه ۲۶ ژانویه نیز دفترسندیکا دراستان «الکاف» مورد هجوم قرارگرفت.جناح مبارزه سندیکا دراین شرایط اما بیکارنمانده است. در « صفاقص» بزرگترین شهر تونس درشرق کشور که شهری صنعتی نیز بشمار می رود وتوریستهای

دردرون اتحادیه نیروی چپی حضوردارد که سالها درمقابل دیکتاتوری ورژیم بن علی که با کمک سرمایه اروپایی سرپا مانده بود مقاومت کرد واکتون با نیروهای میانه رو، اتحادی بر علیه جناح راست تشکیل داده اند. جناح راستی که مرکب ازبوروکرات های سندیکایی هستند که عضو حزب دولتی ونزدیک به رژیم بن علی نیز بودند.

جناح میانه ازطرح سیاست نیم بندی حمایت می کند که می گوید سندیکاها باید منافع صنفی مثل افزایش دستمزدها را هدف قراردهند وبشدت از سیاسی شدن نگران بوده وهستند وگرچه در روند ضد دیکتاتوری ازمطالبات دموکراتیک حمایت نموده اما به تجربه مخالف سیاسی شدن سندیکاها هستند وبر خلاف اینها جناح چپ طی سالهای مبارزه ضد دیکتاتوری مطالبه ی اضافه دستمزد ومبارزه بر علیه استثمار را با عرصه ی مبارزه برای حقوق زنان تلفیق کرده ومخالف پرهیززاسیاست است. بهمین دلیل نیزبود که در رژیم گذشته درمحیط زیست وکارهرجاکه فعالیت

محلی سندیکا آماج حمله ی شبه نظامیان وابسته به رژیم گذشته قرارگرفتند. درعین حال اما، نسیم شورش در کل منطقه از تونس تا قاهره و یمن وزیدن گرفتن است.

اینروزها سوالی که ناظرین داخلی وخارجی تونس را مشغول داشته این است که سرانجام چه زمانی دولت موقت کنونی ساقط می شود؟

قریب یک هفته است که فشار به دولت موقت ومحمد غنوشی نخست وزیر، مدام در حال افزایش است. تغییراتی در درون کابینه درروزهای سه شنبه و چهارشنبه وسپس پنج شنبه ۲۷ ژانویه اعلام شد ولی تا هم اکنون که این سطورنگاشته می شود محمد غنوشی درمسند قدرت است وجریانهای مختلف اجتماعی وسیاسی خواستاراستعفای وی هستند.

بدنه ی سندیکای عمومی که در شرایط کنونی نقش اجتماعی تعیین کننده ای بعنوان عامل ضدقدرت دارد، رهبری فاسد ودبیرکل اتحادیه را بشدت تحت فشارگذاشته تا مانع حضورشان در قدرت شوند.



تحولات تونس وموقعیت کنونی

نویسنده:Bernard Schmid

برگردان: نادرساده

سندیکای عمومی کارگران تونس، نقش تعیین کننده ای در تحولات رادیکال کنونی درتونس دارد. در روزهای اخیر، تعدادی از دفتر های

کمی به آنجا سفر می کنند، فعالین سندیکایی درروز ۴ شنبه فراخوان اعتصاب عمومی اعلام کردند. تنها شرکت برق وبیمارستانها بایستی به کارشان ادامه می دادند. بدین ترتیب هزاران نفر به خیابان آمده وخواستار استعفای اعضای دولت موقت شدند. روز ۵ شنبه ۲۷ ژانویه نیزدر« سیدی بوزید » با ۴۰۰۰۰ نفرشهروند، فراخوان اعتصاب داده شد.

در عرصه اجتماعی هنوزانقلاب دمکراتیک نتوانسته بطورکامل پیشروی کند. اما با توجه به جنگ قدرت کنونی ومسئله ی تغییر قانون اساسی تاکنون نتایجی نیزکسب شده است. بعنوان مثال در روزسه شنبه اعلام شد برای اولین بار کمک اجتماعی ماهانه به بیکاران به مبلغ ۱۵۰ دینار برابر ۱۰۶ دلار ویا برابر ۶۰ یورو در دستورقرار می گیرد. تاکنون بیکاران تنها امکانی که داشتند تکیه به درآمد دیگراعضای خانواده شان بود و بدین ترتیب همین گام در پرداخت حقوق بیکاری را باید بعنوان یک پیروزی در نظر داشت. جدا از این دولت موقت اعلام کرد حدود ۲۶۰ میلیون یورو به زیرساخت های مناطق توسعه نیافته اختصاص وسرمایه گذاری می شود وشخصیت های این مناطق باید در آینده نیز درساختن دولت جدید مشارکت داشته باشند.

به دولت موقت برگردیم. سندیکای عمومی کارگران طبق تصمیمی ازروز سه شنبه ۱۸ ژانویه ازکابینه موقت خارج گردید. از طرف دیگر «احمد براهیم » دبیرکل حزب نوسازی که کمونیست سابق نیزهست وهمچنین نجیب الشابی که سالها رئیس حزب دمکراتیک مترقی بود قدری با تردید درکابینه ماندند. لیبرال امروز وکمونیست سابق باورش را به مبارزه ی طبقاتی باخته وبجای آن اعتقاد به دولت را یافته است. آنها خودشان را منصوب کرده اند وفکر می کنند اگرکناربخشدن هرج ومرج از راه می رسد. حزب دمکراتیک مترقی ورهبر آن البته که در دسته احزاب قانونی ومخالفین رام و مطیع در تونس بودند که با قدرت های بزرگ نیزارتباطاتی داشتند وتوسط بنیادآمریکایی کمک به دمکراسی هم سرویس می گرفتند.

بخشی قابل توجه از نیروهای اپوزیسیون خواهان عقب نشینی بیشتر دولت موقت ومجلس موسسانی هستند که قانون اساسی جدیدی

موضع گیری غرب در برابر دموکراسی عرب

یکشنبه ۳۰ ژانویه ۲۰۱۱

نوشته ی تونی ایلتیس

منبع سایت گرین لفت

ترجمه: احمد

۲۰۱۱ با خیزش شجاعانه برای دموکراسی و عدالت اقتصادی که جهان عرب را در می نوردد، بدل به سالی سرنوشت ساز برای خاورمیانه می شود.

تا ۱۴ ژانویه اولین دیکتاتور تقریبا سرنگون شده است: زین العابدین بن علی در تونس.

اعتراضات الهام گرفته شده از انقلاب تونس در چندین کشور عربی رخ می دهد، مکررا در یمن و اردن. در ۲۸ ژانویه پرجمعیت ترین کشور خاورمیانه یعنی مصر با شورش هایی به خروش می آید در حالی که پلیس تلاش داشت به طور بی رحمانه (اما ناموفق) به چهار روز اعتراض علیه دیکتاتوری سی ساله ی حسنی مبارک پایان دهد. حکومت آپارتاید اسرائیل و پشتیبانان آن یعنی قدرت های غربی یا جامعه ی بین الملل(آن طور که خودشان را نام گذاری کرده اند) در برابر این جریان دموکراسی ایستاده اند.

اگر صحبت های آنان درباره ی خیزش دموکراتیک ناموفق ۲۰۰۹ در ایران معیار باشد«جامعه ی بین

برای جمهوری تونس تدوین وتصویب نماید. برخی ازوکلای لیبرال اما معتقدند قانون اساسی سابق تونس مربوط به دوران بن علی نیست بلکه درسال ۱۹۵۹ تصویب شد وطی این سالها نیزبازها تغییراتی درآن وارد شده است تا محدود های آنرا به نفع نمایندگان مردم رفع نماید، بنابراین باید همان قانون اساسی مورد بررسی قرارگیرد اما نباید ملغأ شود.

بخشی ازنیروهای چپ ولیبرال اما دریک مسئله متفق القول اند وآن اینکه بهتر است چند ماهی انتخابات عقب افتد تا نیروهای اپوزیسیونی که تاکنون غیرقانونی بودند بتوانند به تجدید سازماندهی بپردازند، برنامه سیاسی واجتماعی شان را تدوین نمایند و خودشان را به مردم تونس بیشتر شناسانند.

قانون اساسی پیش بینی کرده است در صورت خلاء قدرت انتخابات ریاست جمهوری باید طی ۶۰ روزبرگزارشود.دولت انتقالی اما چشم اندازبرگزاری انتخابات طی ۶ ماه را ترسیم کرد. بخشی از اپوزیسیون استقبال کردند.برخی دیگر بی اعتماد هستند ونگران افت جنبش در خیابانها هستند واین خطرنازیابی قدرت ازسوی عوامل رژیم قبلی را محتمل می کند. درموقعیت کنونی این مسئله ی مهم این است که چه کسی سمت وسوی دوران انتقالی راتعیین می کند.

مباحثه حول ساختاررژیم کهنه و پلیس ودادگستری ادامه دارد. دستگاه پلیسی به نظر می آید تا این لحظه کمترین تغییراتی درآن وارد شده است. برعکس در ارتش که بخشا با مردم پیا خاسته برادری کردند، مورد علاقه ی عموم هستند.اززندانها ۱۸۰۰ نفرمحبوس شامل عفوشده وآزادگردیدند. اما ۳۰۰۰ نفربا اتهام « تروریسم » که در بین آنها حتی منتقدین سیاسی هم هستند همچنان در زندان اند. لیبراسیون در فرانسه روز دوشنبه گزارش داد درروزهای گذشته حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر زندانی توسط زندانبانان کشتار شده اند. روز ۴ شنبه ۲۶ ژانویه در تونس اعلام شد درطی یک ماه آخرحکومت بن علی ۷۱ زندانی کشتار شده اند که ۴۷ نفر آنان در آتش سوزی جان خود را ازدست دادند. با اطلاعات موجود نمی توان به دقت این اخبار صحه گذاشت. بویژه اینکه این روزها ادعا می شود در جریان سرنگونی بن علی ۱۱۰۰۰نفر زندانی فرارکرده اند.

الملل» می باید از خیزش عرب حمایت کند.

اعتراضات توسط جوانان تحصیل کرده ای هدایت می شود که از فقر و نبود آزادی سیاسی به تنگ آمده اند و با اندکی دسترسی به اینترنت به طور سیاسی خبره تر از نسل های قبلی شده اند که در رژیم های تمامیت خواه بزرگ شدند.

توجیه استاندارد غرب یعنی شیخ «اسلام افراطی» (برای حمایت از حاکمان ستمگر خاورمیانه) در جریانات فعلی حضوری ندارد. شعار ها و مطالبات رنگ و بویی مذهبی ندارند.

در تونس، یک حزب اسلامی(حزب ان-ناهدا) یکی از چندین حزب ممنوع پیشین در اتحادی سیاسی است که بخشی از جنبش دموکراتیک است.

علی لارایده رهبر حزب ان – ناهدا در تاریخ ۲۱ ژانویه به نیویورک تایمز گفت که این حزب از حکومتی که عمل مذهبی را با زور پیش ببرد پشتیبانی نمی کند. لارایده گفت که حزب او از حقوق زنان دفاع می کند و با قوانین منع الکل یا پوشش تحمیلی مخالف است.

احزاب دیگر این اتحاد سکولار هستند من جمله حزب کمونیست کارگران تونس (پی سی او تی). اخوان المسلمین در مصر که به طور تاریخی مهمترین حزب مخالف دولت است در این حرکت اعتراضی بزرگ غایب است.

غرب مطابق معمول ارزش های دموکراتیکی که خود بسیار در بوق کرده را برای منافع اقتصادی و سیاسی نادیده می گیرد.

بن علی و مبارک هر دو وفادارانه سیاست های اقتصادی شان را بر اساس دیکته ی صندوق بین



سرمایه اروپایی وابستگی نزدیکی دارد . مخابرات فرانسه شریک اصلی اش تونسی است. ۴۹ درصدسهامداران فرانسوی و ۵۱ درصد متعلق به مالکین تونسی یعنی مروان مبروکی یکی از داماد های بن علی و اعضای مافیای اش است. از آنجا که او از تونس فرار کرده است هم اکنون فعالیت بخش تونسی نیز مخابرات خوابیده است.

سرمایه جهانی نگران آینده ی سرمایه گذاری اش در تونس است و درارزیابی ها تونس دررتبه بندی سقوط کرده است وچشم اندازبازدهی سرمایه منفی شده است. برعکس بخشی ازبورژوازی از سرنگونی بن علی خوشحال است ومفسیرین اقتصادی براین نظرند که با کم شدن سایه ی مخوف مافیایی چشم انداز رشد وجود دارد . اما چشم اندازما نیزاجدایی منافع و مطالبات جوانان وتهیدستان وبیکاران و نیروی کارتونس با سرمایه ی وطنی در آینده حکایت دارد.

پاریس جمعه ۲۸ ژانویه

۹ بهمن ۱۳۸۹

بسیار مسئول عمل کرده ... در تلاش برای صلح خاورمیانه ، کارهای مصر در جهت عادی سازی روابط با اسرائیل صورت گرفته است...

من به او به عنوان یک دیکتاتور اشاره نمی کنم.» بدون همکاری رژیم در مصر، اسرائیل قادر نبود که محاصره ی نوار غزه را ادامه دهد. مرز بین نوار غزه و مصر ،همراه با دريچه های مرزی اسرائیل بسته شده است تا یک محاصره ی کامل را تحمیل کند.

اعتراضات توده ای در مصر خطری بیش از مصالح مبارک و هم پیمانانش دارد -سقوط مبارک می تواند مردم در رنج غزه را از محاصره ی غیر انسانی اسرائیل به راحتی آزاد کند.

در ۲۸ ژانویه، تایم با وزیر (او خواست که هويتش فاش نشود) نخست وزیر بنجامین ناتانياهو مصاحبه ای کرد.

وزیر اسرائیل گفت که او مطمئن است که مبارک می تواند اعتراضات دموکراتیک را در هم بشکند. با این وجود، او به طور آشکاری از موج خروشان دموکراتیک مغشوش بود و ترس اسرائیل را از دموکراسی به عنوان تهدیدی برای مصالح بیان کرد: «من مطمئن نیستم که این زمان درستی برای طی کردن پروسه ی دموکراتیک در جهان عرب باشد».

این وزیر بحث می کند که اعراب هنوز آماده نیستند که رای بدهند: «این یک نسل یا بیشتر طول می کشد».

تحولاتی در وضعیت محیط های کار، کارخانه ها وشرکت ها درشرف انجام است. هرکس که دردزدسالاری رژیم گذشته دستی داشته و یا در وابستگی وقوم خویشی با مافیای قدرت حول بن علی قرارداداشته به پرسش کشیده می شود. تا کنون تعدادی از روسا ی شرکت های بزرگ نظیر شرکت بیمه یا بانک کشاورزی یا سندیکای کارفرمایان تونس ازسوی کارکنان خلع ید شده اند. درتلویزیون تونس کمیته ی ازسوی فعالین سندیکایی اداره اموررا بدست گرفته وکنترل بخش خبررا بدست گرفته اند. در روزجمعه کارکنان دفترمרכזی خطوط هوایی تونس که تاکنون درآمد آن غارت می شد اشغال شد.رئیس کل شرکت درطبقه پنجم به اتاقی فرارکرد ودرب را بروی خودش قفل کرد و بالاخره تن به قول تشکیل یک کمیسیون تحقیق داد.

موج اعتصاب درشرکت های مخابراتی اروپا بویژه شرکت های فرانسوی درشمال آفریقا را فراگرفت. ۵ تا ۱۵ درصد خدمات تلفنی فرانسه ازتونس تامین می شد. بعلاوه اقتصاد تونس به

المللی پول و بانک جهانی قرار دادند که مردم را برای منافع بنگاه های غربی به فقر می کشاند. هر دو، فرمانبردار شرکای استراتژیک آمریکا بودند.

اتاق های شکنجه ی مبارک حتی به مقصدی دلخواه برای برنامه ی « تسلیم فوق العاده» سیا بدل شد.

آمریکا درباره ی تونس تا زمانی که بن علی سقوط کرد، ساکت بود. اما بعد از عزیمت او ، آمریکا از دموکراسی تونسی ها استقبال کرد در همان حالی که آشکار می گفت که تحت حکومت موقت فعلی از تحولی منظم به سوی انتخابات حمایت می کند و با مطالبات معترضان برای انتقال فوری به یک حکومت جدید که پاسخگوی مردم است، مخالف است.

آمریکا در مورد مصر، یعنی دومین دریافت کننده ی کمک نظامی از آمریکا (بعد از اسرائیل) به دفاع از حکومت مبارک پرداخته است.

هیلاری کلینتون در ۲۵ ژوئیه گفت که «ارزیابی ما این است که حکومت مصر باثبات است و راه هایی را برای پاسخگویی به نیازها و مصالح قانونی مردم مصر پیدا می کند»(گزارش الجزیره) حمایت آمریکا از مبارک از آنچه که برای حاکمان فرمانبردار جهان سومی معمول است، فراتر می رود.

در همان زمانی که پلیس حکومتی از گاز اشک آور و گلوله برای طرفداران دموکراسی استفاده می کرد، سخنگوی آمریکا جان بیدن در ۲۷ ژانویه در مصاحبه ای با پی بی ای توضیح می داد« مبارک متحد ما در بسیاری از چیزها بوده و